

مقدمه

امروزه در بحث‌های مربوط به اقتصاد آموزش و پرورش، مفهوم «سرمایه‌ی انسانی» یکی از مفاهیم جاافتاده در کنار بحث «سرمایه‌ی فیزیکی» به شمار می‌رود. اگر سرمایه‌ی فیزیکی، با ایجاد تغییرات در مواد برای تغییر شکل در ابزار به منظور تسهیل تولید تعریف شود، سرمایه‌ی انسانی با تغییر دادن افراد برای کسب مهارت‌ها و دادن توانایی به آن‌ها پدید می‌آید و افراد را قادر می‌سازد، به شیوه‌های جدید رفتار کنند.

در دو دهه‌ی گذشته، در کنار مباحث مربوط به سرمایه‌ی فیزیکی و سرمایه‌ی انسانی، بحث تازه‌ای با عنوان «سرمایه‌ی اجتماعی» ظهور یافته است. این نوع از سرمایه هنگامی محقق می‌شود که روابط میان افراد به شیوه‌ای دگرگون شود که کنش را تسهیل کند. اگر سرمایه‌ی فیزیکی کاملاً ملموس است و به صورت مادی و قابل مشاهده تجسم می‌یابد و سرمایه‌ی انسانی در مهارت‌ها و دانشی که فرد کسب کرده است، متجلی می‌شود، سرمایه‌ی اجتماعی اما ناملموس‌تر است و در روابط میان افراد تجسم می‌یابد. و اگر سرمایه‌های فیزیکی و انسانی روابط تولید را تسهیل می‌کنند، سرمایه‌ی اجتماعی نیز همانند آن‌ها عمل می‌کند؛ یعنی گروهی از اعضایش که قابلیت همکاری و اعتماد بیش‌تری دارند، کارهایی بسیار بیش‌تری از گروهی که فاقد آن اعتماد و هنجارهای هم‌پاری و مشارکت هستند، انجام می‌دهد.

در این بحث، ابتدا به تعریف نظری از مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی می‌پردازیم و بعد، منابع سرمایه‌ی اجتماعی را مطرح می‌کنیم. سپس به سرمایه‌ی اجتماعی در رابطه با سطوح متفاوت تحصیلی و میزان تفاوت در سرمایه‌ی اجتماعی و عناصر مفهومی آن براساس سطوح متفاوت تحصیلی خواهیم پرداخت که نتیجتاً باید توجه مسؤولان در سطوح گوناگون برنامه‌ریزی و اجرایی آموزش و پرورش، را به خود جلب کند؛ به گونه‌ای که براساس نتایج این بحث، میزان موفقیت آنان در ایجاد سرمایه‌ی اجتماعی در سطوح گوناگون آموزشی، صرف‌نظر از عوامل مؤثر دیگر بر سرمایه‌ی اجتماعی، مشخص می‌شود.

تحصیلات و سرمایه‌ی اجتماعی

سرمایه‌ی اجتماعی معمولاً در سطوح خود، میانی و کلان، تعریف‌های متفاوتی دارد و شاخص‌های عملیاتی کردن آن نیز براساس همین تعریف‌های متفاوت، در سطوح گوناگون، از تنوع فراوانی برخوردار است. اما اگر بخواهیم از مجموع دیدگاه‌ها و نظرات ارائه شده در پیشینه‌ی مباحث مربوط به سرمایه‌ی اجتماعی عناصر مشترک را استخراج کنیم، چند عنصر مشترک و مورد توافق استخراج خواهد شد.

۱. اعتماد: اعتماد باعث تسهیل کنش و همکاری می‌شود. هرچه اعتماد در جامعه‌ای بالاتر باشد، احتمال همکاری هم بیشتر خواهد بود. ضمن این‌که خود همکاری نیز اعتماد ایجاد می‌کند. اعتماد که یکی از عناصر ضروری تقویت همکاری است، عنصری غیر اختیاری و ناآگاهانه نیست، بلکه همچون پیش‌بینی رفتار یک بازیگر مستقل است. «شما برای انجام کاری، صرفاً به این دلیل که فردی (یا نهادی) می‌گوید آن را انجام خواهد داد، به او اعتماد نمی‌کنید. بلکه تنها به این دلیل به او اعتماد می‌کنید که با توجه به شناخت خلق و خوی او، انتخاب‌های ممکن او، تبعاتشان و توانایی او، حدس می‌زنید که این کار را به انجام می‌رساند» [پاتنام، ۱۳۸۰: ۲۱۲].

در این‌جا ما دو نوع اعتماد را در نظر می‌گیریم: اعتماد عمومی، یعنی این‌که معمولاً مردم تا چه میزان قابل اعتماد هستند و تا چه میزان امانتدار، صادق و متعهد به قول و قرارهای خود هستند، و اعتماد نهادی، یعنی مردم به نهادهای اجتماعی، فرهنگی و خدماتی مانند: بیمارستان‌ها، بانک‌ها، دارایی، مخابرات، راه‌آهن، هوپیمایی و... تا چه میزان اعتماد دارند.

شبکه‌های مشارکت مدنی یکی از شکل‌های ضروری سرمایه‌ی اجتماعی هستند. هرچه این شبکه‌ها در جامعه‌ای متراکم‌تر باشند، احتمال همکاری شهروندان در جهت منافع متقابل بیش‌تر است.

۲. آگاهی و توجه: شامل مجموعه‌ی از افکار، عقاید و حساسیت نسبت به زندگی است و توجه به هر آنچه که در وسیع‌ترین معنا به «امور عمومی»، اعم از سیاسی و یا اجتماعی مربوط می‌شود. آگاهی و توجه پیش شرط شناختی ضروری و شکل فعال‌تر مسؤولیت مدنی است که باعث علاقه‌مندی و دل‌نگرانی می‌شود. نقطه‌ی مقابل آگاهی و توجه، وضعیت شناختی چشم‌پوشی، بی‌تفاوتی و شکل‌گیری نگرش فرصت‌طلبانه است [آفه و فوش، ۲۰۰۲: ۱۹۱-۱۹۰].

۳. هنجارهای معامله‌ی متقابل: هنجارها هنگامی به وجود می‌آیند که یک عمل، تجلیات بیرونی مشابهی برای تعداد دیگری از افراد دارد. هنجارها از طریق سرمشق شدن و اجتماعی شدن (از جمله آموزش مدنی) و نیز از طریق مجازات‌ها به افراد جامعه تلقین و در وجود آن‌ها تثبیت می‌شوند. معامله‌ی متقابل عمومی (نه این‌که من برای شما این کار را خواهم کرد، به خاطر این‌که شما قدرتمندتر از من هستید،

و حتی نه این‌که من اکنون این کار را برای شما انجام خواهم داد، اگر شما آن کار را برای من اکنون انجام دهید. بلکه من این کار را اکنون برای شما انجام می‌دهم به این امید که شما در برهه‌ی سخت دیگر، کاری برای من انجام دهید.) سرمایه‌ی اجتماعی عظیمی را ایجاد می‌کند و موجب تحکیم همکاری می‌شود [پاتنام، ۱۳۸۰: ۳۱۳].

۴. شبکه‌های مشارکت مدنی: شبکه‌های مشارکت مدنی یکی از شکل‌های ضروری سرمایه‌ی اجتماعی هستند. هرچه این شبکه‌ها در جامعه‌ای متراکم‌تر باشند، احتمال همکاری شهروندان در جهت منافع متقابل بیش‌تر است. در این‌جا ما مشارکت را به دو گروه تقسیم می‌کنیم: «مشارکت‌های رسمی»، یعنی مشارکت در انجمن‌ها، اصناف، گروه‌های رسمی اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، و «مشارکت‌های غیر رسمی»، یعنی مشارکت‌های غیر رسمی مذهبی، که شرکت در انواع جشن و سرور و عزاداری‌های مذهبی را شامل می‌شوند و مشارکت‌های غیر رسمی خیریه‌ای که شامل شرکت در انواع فعالیت‌های نیکوکارانه و خیریه‌ای مانند: برگزاری جشن برای کمک به نیازمندان با عنوان‌های تکریم ایتم، عاطفه‌ها، نیکوکاری و... می‌شوند، و مشارکت‌های غیررسمی هم‌یارانه که تبادل کمک و قرض دادن وسایل و سایر خدمات در انواع روابط همسایگی و شهروندی را در برمی‌گیرند. دو نوع آخر، بیش‌تر جنبه‌ی رفتاری و مشارکتی هنجارهای معامله‌ی متقابل را به نمایش می‌گذارند.

فوکویاما، سرمایه‌ی اجتماعی را به سادگی مجموعه‌ی معینی از هنجارها یا ارزش‌های غیررسمی تعریف می‌کند که اعضای گروهی که همکاری و تعاون میانشان

مجاز است، در آن سهیم هستند. هنجارهایی که سرمایه‌ی اجتماعی تولید می‌کنند، اساساً باید شامل سجایایی از قبیل صداقت، ادای تعهدات و ارتباطات دو جانبه باشند [فوکویاما، ۱۳۷۹: ۱۲-۱۱]. مجموعه‌ی عناصر سه‌گانه‌ای که در بالا مطرح شدند، جزو عناصر شناختی و ذهنی سرمایه‌ی اجتماعی هستند و عنصر چهارم که شامل مشارکت‌های رسمی و غیررسمی می‌شود، جزو عناصر ساختاری و رفتاری سرمایه‌ی اجتماعی است.

منابع سرمایه‌ی اجتماعی
معمولاً منابع متفاوتی برای ایجاد هنجارهای اجتماعی، و در این بحث، سرمایه‌ی اجتماعی مطرح هستند که در این جا چهار منبع اصلی را به این شرح می‌آوریم:

۱. هنجارهایی که به لحاظ نهادی ساخته شده‌اند
منظور هنجارهایی هستند که از طریق کنش قصدمند توسط نهادهایی مانند دولت ساخته شده‌اند. نهادهای رسمی مانند قوانین و نظام‌های قانونی، در طول زمان هنجارهای رسمی ایجاد می‌کنند.

۱-۱. ساختمان‌های نهادی عقلانی:
معمولاً دولت‌ها، صرف نظر از موفقیت یا عدم موفقیت، سعی در ایجاد هنجارهایی از طریق نهادهای رسمی سیاسی و اقتصادی داشته‌اند. بلشویک‌ها درصدد بودند که انسان شورایی طراز نوینی بیافرینند که از منافع شخصی خودخواهانه تغییر مسیر دهد و به سمت سعادت تمامی بشریت جهت یابد. در جوامع دموکراتیک، منبع اصلی هنجارهای ایجاد شده، نهاد قانون است.

نوشته‌های حقوقی فراوانی، شیوه‌هایی را مقرر کرده‌اند که براساس آن‌ها، نهادها مسؤول ترویج هنجارهای غیررسمی هستند.

به غیر از خانواده، «تحصیلات»، عرصه‌ی محکم دیگر اجتماعی کردن است. تحصیلات، انبوهی از هنجارهای گوناگون به وجود می‌آورد. تحصیلات می‌تواند منجر به گسترش ایدئولوژی‌ها یا ایده‌های منظم جدید گردد، اما در بسیاری از موارد به مقیاس کم‌تری هنجار ایجاد می‌کند. یکی از استفاده‌های خاص قانون که نقش مهمی در تشکیل هنجارهای اجتماعی دارد، تحصیلات دولتی است. از انقلاب فرانسه تاکنون، نظام آموزشی فرانسه کوشیده است، حس جمهوری خواهی را به شهروندان القا کند، در حالی که نظام مدرسه‌ای آلمان، از پایان جنگ جهانی دوم تلاش کرده است، نژادپرستی و ملی‌گرایی را از میان ببرد. مدرسه‌های دولتی آمریکا، به خصوص در دهه‌های اول قرن بیستم، زمانی که نخبگان نیاز به همگون‌سازی شمار زیادی از مهاجران را احساس می‌کردند، کوشیدند ارزش‌های فرهنگی آمریکا را به آنان منتقل کنند [فوکویاما، ۱۳۷۹: ۹۷].

بنابراین، تحصیلات در شکل‌دهی سرمایه‌ی اجتماعی نقش بسیار مهمی دارد و دیدگاه‌های نظری فراوانی نیز آن را تأیید می‌کنند [آفه و فوش، برم و ران، ۱۹۹۷؛ گلیزر، لایبسون و ساکردوت، ۲۰۰۰؛ گلیزر، ۲۰۰۱؛ پارگال، گلیکان و هوک، به نقل از گروتارت و هوک، ۲۰۰۲؛ و هیوز و دیگران، ۲۰۰۰]. این بحث محوری، پس از مرور سایر منابع سرمایه‌ی اجتماعی براساس یافته‌های تحقیق در ایران، بررسی می‌گردد.

۱-۲. ساختمان‌های غیرعقلانی:

همان دیدگاهی است که برای نمونه مارکس می‌گوید، هنجارهای تحت‌نظام سرمایه‌داری برای خدمت به منافع بورژوازی ساخته شده‌اند و در دوره‌ی معاصر، از این دیدگاه توسط طرفداران حقوق زنان، پست مدرن‌ها و میشل فوکو که به تحلیل نظام سلطه می‌پردازد، تفسیرهای متفاوتی مطرح شده‌اند [فوکویاما، ۱۳۷۹: ۹۸].

۲. ساختمان‌های خودجوش

در این شکل، هنجارها به جای آن‌که از قانون و دیگر نهادهای رسمی سربرکشند، از کنش‌های متقابل اعضای اجتماع به وجود می‌آیند. این نوع ساختمان‌های نیز دو شکل عقلانی و غیرعقلانی را شامل می‌شود. در شکل عقلانی، ادبیات مربوط به نظریه‌ی بازی را شامل می‌شود و در شکل غیرعقلانی، هنجارهای اجتماعی نتیجه‌ی تکامل خودجوش دراز مدت هستند. برای مثال، بازار را می‌توان به عنوان نظام پیچیده‌ی انطباق‌پذیری توصیف کرد که عاملان فردی، با دنبال کردن راهبردهای محدود و شخصی خود، به طور جمعی و بر اساس هنجارهای به وجود آمده از طریق تعاملات فردی در قالب و شکل هنجارهای بازار عمل می‌کند.

۳. ساختمان‌های برونزاد

منظور از «ساختمان‌های برونزاد» این است که هنجارها از جایی غیر از همان اجتماعی که در آن به کار رفته است، سرچشمه می‌گیرند. مذاهب بزرگ معمولاً از خارج وارد و به اجتماعات ارائه می‌شوند. در دنیای مدرن که افکار و اندیشه‌ها به راحتی مرزهای سیاسی و فرهنگی را طی می‌کنند، ایدئولوژی‌های مشترک و فرهنگ و تجربه‌ی

مشترک تاریخی نیز از عوامل ایجاد هنجارهای قوی هستند [همان، ص ۱۰۰].

۴. هنجارهایی که از طبیعت ریشه گرفته اند

خویشاوندی، قومیت و نژاد به عنوان عوامل هویت ساز، نقش مؤثری در ایجاد هنجارهای مشترک و پذیرفته شدن بر عهده دارند [همان، ص ۱۰۵].

نقش تحصیلات در سرمایه‌ی اجتماعی

همان گونه که در بحث منابع سرمایه‌ی اجتماعی اشاره شد (قسمت ۱-۱)، تحصیلات در نظام‌های گوناگون آموزشی در کشورها نقش مؤثری در ایجاد هنجارهای اجتماعی، یعنی عناصر ذهنی و شناختی سرمایه‌ی اجتماعی و عناصر رفتاری آن ایفا می‌کنند.

نتایج پیمایش جدیدی در شهر تهران، در ۲۲ منطقه و با ۱۷۵۹ نفر پاسخگوی ۱۶ سال به بالا نشان داده است، تحصیلات در شکل‌گیری سرمایه‌ی اجتماعی نقش مهمی دارد (ضریب β رگرسیونی ۰/۲۵۳). به علاوه، در این تحقیق که سرمایه‌ی اجتماعی با عناصر هفت‌گانه‌ی: اعتماد عمومی، اعتماد نهادی، آگاهی و توجه، مشارکت رسمی، مشارکت غیررسمی خیریه‌ای،

مشارکت غیررسمی مذهبی و مشارکت غیررسمی هم‌پارانه تعریف و عملیاتی شده است و میانگین نمره‌ی فرد در عناصر هفت‌گانه‌ی فوق نمره‌ی سرمایه‌ی اجتماعی وی را تشکیل می‌دهد، نتایج به این شرح بوده است [فیروزآبادی، ۱۳۸۴: ۱۹۱-۱۷۸]:

- اعتماد عمومی: بین سطوح تحصیلی، میانگین اعتماد عمومی از تفاوت معناداری برخوردار است؛ به گونه‌ای که اگر سطوح آموزشی از بی سواد به بعد تا قبل از دانشگاه را به ابتدایی، راهنمایی، متوسطه و دیپلم ناقص، دیپلم و پیش دانشگاهی تقسیم کنیم، در تجزیه‌ی واریانس یکطرفه ISD، بی سوادها به طور معناداری از افراد در سطوح ابتدایی، راهنمایی و متوسطه از اعتماد عمومی بیش‌تری برخوردار هستند. از طرف دیگر، بین میزان اعتماد عمومی به سطوح تحصیلی ابتدایی، راهنمایی و متوسطه تفاوت معناداری ملاحظه نمی‌شود و تنها دیپلم و پیش دانشگاهی به طور معناداری از میزان اعتماد بیش‌تری نسبت به سطوح راهنمایی و متوسطه برخوردار هستند.

- اعتماد نهادی: بین سطوح تحصیلی گوناگون، تفاوت معناداری ندارد.
- آگاهی و توجه: نسبت به امور عمومی (سیاسی و اجتماعی)، همان گونه که انتظار می‌رفت، با افزایش سطح تحصیلی

به گونه‌ی معناداری از میزان بیش‌تری برخوردار است، ولی بین سطوح ابتدایی و راهنمایی در میزان آگاهی و توجه تفاوت معناداری ملاحظه نمی‌شود.

- مشارکت غیررسمی خیریه‌ای: بین سطوح بی سواد، ابتدایی و راهنمایی، تفاوت معناداری از این نظر ملاحظه نمی‌شود، اما سطوح متوسطه، دیپلم و پیش دانشگاهی به طور معناداری از مشارکت‌های غیررسمی خیریه‌ای کم‌تری نسبت به بی سوادان و سطوح تحصیلی ابتدایی و راهنمایی برخوردار هستند.

- مشارکت غیررسمی مذهبی: بین بی سوادان و سطح تحصیلی ابتدایی، تفاوت معناداری از این نظر ملاحظه نمی‌شود، اما بی سوادان به طور معناداری مشارکت غیررسمی مذهبی بیش‌تری نسبت به تمام سطوح تحصیلی بعد از ابتدایی دارند. سطح تحصیلی ابتدایی نیز تقریباً (به غیر از متوسطه و دیپلم ناقص) به طور معناداری از تمام سطوح تحصیلی، مشارکت غیررسمی مذهبی بیش‌تر دارند. با افزایش سطح تحصیلی، به طور معناداری کاهش مشارکت‌های غیررسمی مذهبی دیده می‌شود. البته میزان مشارکت غیررسمی در سطوح تحصیلی بعد از مدرسه، یعنی فوق دیپلم، لیسانس، فوق لیسانس و بالاتر، تفاوت معناداری ندارد.

- مشارکت غیررسمی هم‌پارانه: این گونه مشارکت‌ها در سطوح متوسطه نسبت به بی سوادها به طور معناداری کم‌تر است که البته شاید به علت سنین رشد آن‌ها، جوانی و بلوغ باشد. سطح ابتدایی هم به طور معناداری نسبت به متوسطه از مشارکت غیررسمی هم‌پارانه‌ی بیش‌تری برخوردار است و بقیه‌ی سطوح تفاوت معناداری ندارند.

تحصیلات در شکل‌دهی سرمایه‌ی اجتماعی نقش بسیار مهمی دارد و دیدگاه‌های نظری فراوانی نیز آن را تأیید می‌کنند

1997). 999-1023.

Gleaser, Edward L. (2001). "The Formation of Social Capital". Organisation for Economic Co-operation and Development.

Glaeser, E., D. Laibson, and B. Sacerdote (2000). "The Economic Approach to Social Capital". NBER Working Paper No. 7728 (Cambridge, MA: National Bureau of Economic Research).

Grootaert, C and Bastelaer, T. (2002). The Role of Social Capital in Development. Cambridge Univ. Press.

Hughes, P., Bellamy, J. and Black, A. (2000). "Building social trust through education". in I. Winter (ed.) Social Capital and Public Policy in Australia. Australian Institute of Family Studies. Melbourne. pp. 225-249.

سطوح دیپلم به بالا نیز سرمایه‌ی اجتماعی به‌طور معناداری کم‌تر است.

● سرمایه‌ی اجتماعی افراد دیپلم یا پیش‌دانشگاهی، به‌طور معناداری از سطوح بی‌سواد، ابتدایی و راهنمایی بیش‌تر است و با متوسطه تفاوت معناداری ندارد. نسبت به سطوح بالاتر از خود به‌طور معناداری سرمایه‌ی اجتماعی کم‌تری برخوردار است.

● در سطوح بالای مدرسه، یعنی فوق دیپلم، لیسانس، فوق لیسانس و بالاتر، با افزایش سطح تحصیلی، به‌طور معناداری سرمایه‌ی اجتماعی افزایش می‌یابد و همگی سطوح بعد از مدرسه به‌طور معناداری سرمایه‌ی اجتماعی بیش‌تری نسبت به بی‌سوادان و افراد سطوح تحصیلی ابتدایی، راهنمایی، متوسطه، دیپلم ناقص، دیپلمه و پیش‌دانشگاهی برخوردار هستند.

● مشارکت رسمی: با افزایش سواد و سطوح تحصیلی، به‌طور معناداری افزایش می‌یابد؛ به‌گونه‌ای که بی‌سوادها به‌طور معناداری نسبت به همه‌ی سطوح تحصیلی از مشارکت رسمی کم‌تری برخوردارند. به‌جز عدم تفاوت مشارکت رسمی سطوح ابتدایی و راهنمایی، در بقیه‌ی سطوح با افزایش تحصیلات، میزان مشارکت رسمی نیز افزایش می‌یابد. البته مقطع حساس قبل از کنکور، یعنی دیپلم و یا پیش‌دانشگاهی نیز به‌طور معناداری از مشارکت رسمی کم‌تری نسبت به سطوح بالاتر از خود و سطح متوسطه‌ی پائین‌تر از خود برخوردار است و با سطح راهنمایی تفاوت معناداری ندارد، اما بیش از سطوح بی‌سواد و ابتدایی دارای مشارکت رسمی است.

نتیجه‌گیری

● سرمایه‌ی اجتماعی بی‌سوادان، با سرمایه‌ی اجتماعی سطوح تحصیلی ابتدایی و راهنمایی تفاوت معناداری ندارد، اما از متوسطه به بالا، به‌طور معناداری پائین‌تر است.

● سرمایه‌ی اجتماعی افراد در سطح ابتدایی، با سطوح بی‌سواد، راهنمایی و متوسطه تفاوت معناداری ندارد و از بقیه به‌طور معناداری کم‌تر است.

● سرمایه‌ی اجتماعی افراد در سطح راهنمایی، با سطوح بی‌سواد، ابتدایی و متوسطه تفاوت معناداری ندارد و از بقیه به‌طور معناداری کم‌تر است.

● سرمایه‌ی اجتماعی افراد در سطح متوسطه یا دیپلم ناقص، به‌طور معناداری از بی‌سوادان بیش‌تر است و با سرمایه‌ی اجتماعی سطوح ابتدایی، راهنمایی و دیپلم یا پیش‌دانشگاهی تفاوتی ندارد. نسبت به

منابع:

پاتنم، رابرت. دموکراسی و سنت‌های مدنی. ترجمه‌ی دلفروز. انتشارات روزنامه‌ی سلام. تهران. ۱۳۸۰
فوکویاما، فرانسیس. پایان نظم سرمایه‌ی اجتماعی و حفظ آن. ترجمه‌ی غلامعباس توسلی. جامعه‌ی ایرانیان. تهران. ۱۳۷۹.

فیروزآبادی، سیداحمد. «بررسی سرمایه‌ی اجتماعی و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری آن در تهران». پایان‌نامه‌ی دکترای جامعه‌شناسی. دانشکده‌ی علوم اجتماعی دانشگاه تهران. ۱۳۸۴.

Brehm, John & Rahn Wandy, (1997).

"Individual-Level Evidence for the Causes and Consequences of Social Capital". American Journal of Political Science. volume 41. Issue 3 (Jul.,

